

نامها

عضدالدوله دیلمی و روپیه هندی

بنام خدا

مقاله کتابخانه های جهان اسلام در قرون وسطی را که توسط محمدرستم دیوان نوشته و توسط سیدحسین اسلامی ترجمه شده بود، در شماره ۲۹ و ۳۰ نشریه آینه پژوهش خواندم و از آن استفاده کردم. چیزی که بیش از متن مقاله برایم جالب توجه بود واحدهای پولی مذکور در آن بود. در مقاله خواندم که:

در دوران واثق، محمد بن عبدالملک زیات وزیر واثق هر ماه مبلغ ده هزار روپیه هزینه ترجمه و نسخه برداری کتابها می کرد» (ص ۲۱ ستون اول)

یا:

«زمانی که ابوالفرج اصفهانی کتاب الاغانی را به پایان رساند، حکم نماینده ویژه ای را نزد او فرستاد... بدین ترتیب نخستین نسخه این کتاب به چهار هزار روپیه خریداری گشت» (ص ۲۳ ستون دوم)

یا:

«در این کتابخانه... کره دیگری وجود داشت که به قیمت پانزده هزار روپیه برای عضدالدوله خریداری شده بود» (ص ۲۵ ستون دوم)

برایم این شگفتی پیش آمد که آیا در زمان واثق یا حکم یا عضدالدوله، واحد پولی روپیه هندی وجود داشت یا نه؟

با مختصر توجهی، به ریشه این امر پی بردم و آن اینکه هر سه مورد از کتاب مقالات شبلی نعمان نقل شده بود و معلوم می شود که آن مرحوم در موارد فوق (و چه بسا در موارد دیگری که در این مقاله به آنها اشاره نشده) معادل پولی زمان خود را که روپیه هندی بود، قرار داده است. جالب است که نویسنده متن عربی (دیوان) سه بار نیز از واحدهای پولی دیگر (سکه طلا) یاد کرده است که اتفاقاً هر سه بار از منابع عربی استفاده کرده است (ص ۲۱ ستون اول، ص ۲۳ ستون اول، ص ۲۵ ستون اول).

سؤالی که برایم پیش آمده و برای خوانندگان پژوهشگر آینه پژوهش مطرح می کنم این است که: آیا می توان در تألیف یا ترجمه نوشته هایی درباره پیشینیان، اصطلاحات، ابزارها و اندازه های فعلی را به کار برد؟

آیا به نظر شما کمی خنده دار به نظر نمی رسد که نویسنده ای آمریکایی بنویسد که «ابوالفرج اصفهانی کتاب الاغانی خود را به (مثلاً) ۱۷۲۳ دلار و ۷۶ سنت فروخت؟ اصلاً چرا راه دور برویم؟ فرض کنیم همین مقاله مورد بحث ما در آمریکا نوشته یا ترجمه می شد. مؤلف و مترجم آن چه می نوشتند؟ آیا همین روش را پی نمی گرفتند که مؤلف اول ما (شبلی نعمان) و مؤلف دوم ما (محمدرستم دیوان) و مترجم فارسی (سیدحسین

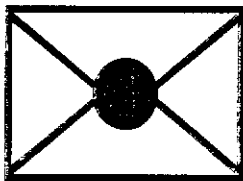
عصر خود تبدیل می نمایند. در صورتی که درست آن است که هم اصطلاحات و اندازه های قدیم را بیاورند و هم توضیحی ارائه دهند تا خواننده با کم و کیف مسأله آشنا شود.

سکه شناسی (نومیسماتیک) که ظاهراً فنی است در خدمت علوم تاریخ و باستانشناسی، عمده خدمات خود را در همه علوم دیگر انسانی و اجتماعی ارائه می دهد. مخصوصاً در مباحث اقتصادی و تاریخ اجتماعی و اقتصادی سهم مهمی به عهده دارد. حتی در امور اقتصادی دینی مانند مباحث خمس، زکات، تجارت، کفاره، دیه، ... که با احادیث بزرگان دین سروکار دارد، آشنایی با واحدهای وزنی و حجمی و پولی، یکی از کلیدهای عمده گشودن مشکلات است. بنابراین محققین و مؤلفین و مترجمین آثار تاریخی، دینی، اقتصادی و اجتماعی کشورمان باید از علم سکه شناسی استفاده کرده و سکه شناسی نیز در حیطه پژوهشهای آنان قرار گیرد.

در پایان باید گفت بعضی اشتباهات دیگر نیز در این ترجمه وجود دارد که این نگارنده متعرض آنها نمی گردد. با تشکر

محسن جعفری

۷۴/۳/۶۶



اسلامی) دنبال کردند؟ حال فرض کنید آن مقاله به زبانهای دیگر دنیا ترجمه شود؛ چه آش شله قلمکاری خواهیم داشت!

شاید پرسیده شود: تقصیر مترجم فارسی چیست که باید چوب بی مبالاتی مولفین اول و دوم را بخورد؟ ظاهراً هیچ. اما مترجم آگاه باید از این مشکل آگاه شده و در باورقی، اشتباهات مولف و منبع او را گوشزد کند. مترجم ما نیز ظاهراً چنین کرده است. حاشیه او را در ص ۲۱ ستون دوم بخوانیم:

* روپیه واحد پول هندوستان است. این پول توسط انگلیسیها زمانی که این شبه قاره را به اشغال خود درآورده بودند وارد کردند. هر روپیه معادل ۷۵ فلس × [عراقی] است و همچنان در هند، پاکستان و بنگلادش رایج است. هر پنجاه فلس معادل یک درهم و هزار فلس معادل یک دینار عراقی است. م

بگذریم از اینکه تعریف روپیه بصورت ذکر شده درست نیست (چه روپیه قبل از ورود انگلیسیان به هند نیز رواج داشت و اصلاً روپیه به زبان هندی و سانسکریت به معنی پول نقره است)، معلوم نیست معادل قرار دادن ۷۵ فلس عراقی برای روپیه به چه حسابی است. مگر این مقاله برای عراقیان ترجمه شده است؟ واقع امر این است که آن گونه که از متن حاشیه برمی آید حاشیه مزبور را مولف متن عربی (یا مترجم آن به عربی یا ناشر مجله عربی المورد) برای توضیح روپیه آورده بود و مترجم فارسی فقط جمله آخر را به آن افزوده و در پایانش علامت (م) را به نشانه حاصل پژوهش مترجم به آن افزوده است.

اجازه بدهید این جانب نیز حاشیه ای به آن بیافزایم:

* روپیه، واحد پول هند، پاکستان و بنگلادش معادل ۷۵ فلس عراقی و ۷۰ ریال ایرانی. لذا ابو الفرج اصفهانی برای زحمت کتاب پر حجم خود $4000 \times 70 = 280000$ ریال یعنی بیست و هشت هزار تومان گرفت! یعنی معادل اجاره ماهانه دو اتاق در محلات متوسط تهران!

در این جا باید تأکید کنم که متأسفانه مولفین و مترجمین ما، در نگارش و ترجمه متون و منابع تاریخی، به امور مذکور توجه کافی ندارند. از سویی اندازه ها و واحدهای پولی مذکور در متون و منابع تاریخی را بدون معادل و توضیح می آورند و از سوی دیگر آنها را به واحدهای